



داوطلبان امداد رسانی  
به مبتلایان به ابولا از شرایط خود می‌گویند

# زندگی در قلب بحران ابولا

آنهايي که می‌میرند و آنهايي که زنده می‌مانند



**پی‌یر تریویچ، سازمان پزشکان بدون مرز مرکز درمان ابولا در «مونرویا»، لیبیریا**  
لحظاتی پس از ورود به مونرویا دریافتیم که همکاران از شدت گسترش بیماری بهت‌زده شده‌اند. مرکز درمانی ما که بزرگترین واحد سازمان پزشکان بدون مرز بود مملو از بیمار بود. استغنان، مسئول هماهنگی ما در آستانه ایستاده بود و مانع ورود مردم می‌شد. شما باید در مأموریت‌های پزشکان بدون مرز منعطف رفتار کنید. مسلماً دل‌سرد کردن مردم کاری نبود که کسی را برای انجام دانش در نظر گرفته باشیم، با این حال یک نفر باید این کار را انجام می‌داد و دست‌آخر من پیشقدم شدم.

اولین کسی که مانع ورودش شدم پدری بود که دخترش را در صندوق عقب خودرواش گذاشته بود و تا مرکز آورده بود. به من التماس می‌کرد تا دخترش نوجوان را وارد مرکز درمانی کنم، با وجود این که می‌دانستم کاری از دست ما برای دخترش بر نمی‌آید می‌دانستم که با سپردن دخترش به ما می‌تواند باقی خانواده‌اش را نجات دهد. دیگران تنها خودروهایشان را کنار می‌زدند، فرد مبتلا را پیاده می‌کردند و به سرعت دور می‌شدند. به یاد دارم مادری کودکش را روی یک صندلی قرار داد و امیدوار بود با این کارش ما را در وضعیتی قرار دهد که چاره‌ای جز مراقبت از کودک نداشته باشیم.

من باید به زوج جوانی که با دختر کوچکشان آمده بودند نیز جواب رد می‌دادم. دختر کوچک ۲ ساعت بعد روبروی در مرکز ما جان باخت و همان جا ماند و مانند تا تیم تدفین از راه رسید و جسد بی‌جانش را برد. من تا زمانی که وارد منطقه خطر شدم نمی‌فهمیدم که چرا نمی‌توانیم بیماران دیگر را به داخل مرکز راه دهیم. برای حفظ جان دیگران باید مراحل و فرآیندهای درمان ابولا رعایت شود و اگر زمان کافی برای چنین اقداماتی وجود نداشته باشد اشتباهات مریکبار کارکنان آغاز می‌شود.

هیچ راهی وجود ندارد که بدون در معرض خطر قرار دادن جان دیگران و کل کار خود، از بیماران بیشتری مراقبت کنیم. با این حال توضیح چنین موضوعی به افرادی که برای نجات جان عزیزانشان التماس می‌کنند و تعهد گسترش و توسعه این مرکز در اسرع وقت، کاری غیرممکن بود. برآورد

خاکسپاری اجساد



**دنیل جیمز، داوطلب صلیب سرخ کابلاهنون، سیرالئون**

اولین جسدی که باید دفن می‌کردیم در روستای «بانیاوالو» بود. وقتی جنازه را برای تمیز کردن و پیچیدن در پارچه آماده به پشت برگردانیدم صدای تنفس عمیقی شنیدیم، مثل نفس‌های بریده فردی که در آستانه خفگی در تنهای هوای تازه باشد. با شنیدن این صدا ما تقریباً فرار کردیم. حتی کارگران سازمان بهداشت جهانی نیز انتظار چنین واکنشی را از جسدی که از ۳ روز پیش از رسیدن ما به روستا، آن‌جا افتاده بود نداشتند. ۱۰ جولای من به دفتر معاون وزیر برنامه مدیریت و عملیات کنترل بیماری‌های صلیب سرخ در «کارگیو» فراخوانده شدم. او به من گفت «دوست من، می‌خواهم برای سروسامان دادن به اجساد قربانیان تو را به کابلاهنون بفرستم. حضری به آن‌جا بروی؟» من برای پاسخ به این سوال حدود ۵ دقیقه فکر کردم، زمانی که به صلیب سرخ پیوستم پسر کوچکی بودم که می‌خواستیم به انسان‌ها کمک کنیم تا مانع درد و رنج افراد آسیب‌پذیر شوم. جواب دادم من اهل کابلاهنون هستم، من باید به آن‌جا بروم تا مردم را نجات دهم.»

وقتی به کابلاهنون رسیدم انگار به کشوری هموار آسان نیست. «در برخی از مناطق ما بای تفاوتی مردم مواجهه و ناچار می‌شویم با حرف‌های نظیر «دور شو، ما بیماری نداریم» طرف می‌شویم و ادامه می‌دهد که ما در چنین مواقعی ما دور می‌شویم.»  
فدریچی می‌گوید، «ما هرگز بدون اجازه به جایی وارد نمی‌شویم. ما هرگز بدون حمایت جامعه وارد به جایی نمی‌شویم. حتی اگر کوچکترین نشانه‌هایی از تشنج بی‌مردم پدیدار شود ما به سرعت عقب‌نشینی می‌کنیم.» اما تعداد مبتلایان به ابولا و مرگ بیماران در شهر لופا در ماه‌های اخیر سر به آسمان کشیده است و مردمی که فجاج این بیماری و ویرانگر را به چشم خود می‌بینند برای درخواست کمک به آنها رجوع می‌کنند. این روستا ۷۲ ساله می‌گوید، «وقتی خانواده‌ای که قبلاً پیشنهادهای کمک شما را کرده است دوباره به شما مراجعه می‌کند و خوشامد می‌گوید، انگیزه‌های شما دوچندان می‌شود.» چنین اتفاقی در شهر «بارکیدو» به وقوع پیوست. مردم این شهر در ابتدا مانع ورود کارکنان بهداشت شدند اما پس از آن که ۱۲۰ تن از ساکنان آن در جدال با ابولا جان باختند، درخواست کمک دادند. «موسا سه‌ساس» شهردار بارکیدو می‌گوید، «حالا همه مردم می‌دانند ابولا حقیقت دارد و هر روز احتیاط بیشتری به خرج می‌دهند.»



چنین اتفاقاتی خانم فدریچی را در ماموریت خود مصمم‌تر می‌کند. او می‌گوید، امیدوار است به دنبال همکاری جوامع بزرگی نظیر بارکیدو یا سازمان پزشکان بدون مرز، روستاهای کوچکتری نیز راه آنها را دنبال کنند. فدریچی معتقد است که مأموریتش در لیبیریا نقطه اوج زندگی حرفه‌ای او است و می‌گوید، «حضور در چنین کاری به‌عنوان بخشی از آن یک افتخار است. فعالیت ما در این‌جا بسیار ملموس است» و در ادامه می‌گوید، «چیز دیگری که ملموس است نیاز پزشکان بدون مرز به کمک‌های بیشتری در خط مقدم این نبرد است.» منبع: National Public Radio

ادامه از صفحه ۹



دشواری اینتر

شده است و هزار و ۴۲۷ نفر نیز در گینه، لیبیریا، نیجریه و سیرالئون بر اثر ابتلا به ابولا جان باخته‌اند، هر چند این آمار قطعاً بسیار کمتر از تعداد واقعی مبتلایان و جان باختگان است اما ژورفین سلو که امید در چشمانش موج می‌زند همچنان دلیلی برای خوشبینی پیدا می‌کند. او شاهد کاهش سرعت شیوع بیماری است و دیگر او و پرستارانش در این مبارزه تنها نیستند. یکی از پرستاران به نام «تانسی یوکو» می‌گوید: «برخی رفتند، ولی ما ماندیم. ما همواره خواهیم بود و هیچ وقت این‌جا را ترک نخواهیم کرد.»

ژورفین سلو با پرخاش بازدیدکنندگان را از خود دور می‌کند، لباس مخصوص را می‌پوشد و آماده کار می‌شود. سلو در حالی که مشغول بر تن کردن لباسش است، می‌گوید: «با لطف خدا این بیماری تمام خواهد شد.» منبع: نیویورک تایمز

خارج از بیمارستان اما همچنان با بدبینی و تردید مردم مواجه‌اند. برخی از پرستاران سلو می‌گویند: همسرانشان ترکشان کرده‌اند و همسایگان نیز از صحبت کردن با آنها خودداری می‌کنند. یکی از پرستاران می‌گوید: یک روز در بازگشت به خانه با لوازم شخصی‌اش در چمدانی در پیاده‌رو مواجه شده است و همسرش به او هشدار داده که به او نزدیک نشود. یکی دیگر از پرستاران نیز ناچار است هویت اصلی خود را مخفی کند و خود را یک دانش‌آموز معرفی کرده تا صاحبخانه او را بیرون نیندازد. «ورونیکا تاکر»، یکی از پرستارانی که از ویروس جان به برده است در خیابان‌های کنما به اطلاع‌رسانی در مورد شرایط سخت این پرستاران مشغول است. شیوع ابولا همچنان ادامه دارد. به گفته امدادگران بین‌المللی حدود ۲ هزار و ۶۱۵ مورد از مبتلایان به این ویروس مشاهده

داوطلب ۷۲ ساله مبارزه با ابولا

## از خطرات آگاهم، اما مأموریت ما مهم‌تر است

داوطلبانی از سراسر جهان به غرب آفریقا سفر کرده‌اند تا مانع گسترش ویروس ویرانگر ابولا شوند. بین داوطلبان، زن ۷۲ ساله‌ای از تگزاس به چشم می‌خورد که در لیبیریا با پزشکان بدون مرز همکاری می‌کند. لیبیریا قربانی اصلی شیوع ابولا در غرب آفریقا است. گروه‌های امدادی بسیاری در این منطقه حاضرند و تلاش می‌کنند تا سرعت گسترش این بیماری بکاهند، اما هر روز موارد جدیدی از ابتلا به این بیماری کشف می‌شود و شمار مبتلایان رو به افزایش است.

کمپ پزشکان بدون مرز در روستای «فوبا» در شمال شهر «لופا» برپا شده است. سطل‌های محلول کلر در ورودی دروازه‌های پلاستیکی نارنجی رنگ چیده شده‌اند. کارکنان و داوطلبان ماسک و روپوش آبی به تن دارند و در چادرهای آماده مستقر شده‌اند. یکی از آنها زنی است سا موهایی سپید که در حال برنامه‌ریزی برای وظایف هفتگی خود است و غرق در افکار خودش است. او می‌گوید، «من یکیم فدریچی، مجری سلامت این مرکز در درمان ابولا هستم.» فدریچی ۷۲ ساله است و مادربزرگ خارجی کمپایی است که در فویا مشغول به کار است. نخستین همکاری او با سازمان پزشکان بدون مرز به سال ۲۰۰۵ برمی‌گردد. فدریچی پیش از آن و در ایالت‌های تگزاس و نیوجرسی به مدت ۳۰ سال به پرستاری مشغول بود. او می‌گوید، از مخاطرات این کار آگاه است اما وظیفه مهمی را در خصوص اطلاع‌رسانی این بیماری برعهده دارد.

**تعداد مبتلایان به ابولا و مرگ بیماران در شهر لوفادر ماه‌های اخیر سر به آسمان کشیده است و مردمی که فجاج این بیماری و ویرانگر را به چشم خود می‌بینند برای درخواست کمک به امدادگران رجوع می‌کنند این پرستار ۷۲ ساله می‌گوید، «وقتی خانواده‌ای که قبلاً پیشنهادهای کمک شما را کرده است دوباره به شما مراجعه می‌کند و خوشامد می‌گوید، انگیزه‌های شما دوچندان می‌شود»**

چنین اتفاقاتی خانم فدریچی را در ماموریت خود مصمم‌تر می‌کند. او می‌گوید، امیدوار است به دنبال همکاری جوامع بزرگی نظیر بارکیدو یا سازمان پزشکان بدون مرز، روستاهای کوچکتری نیز راه آنها را دنبال کنند. فدریچی معتقد است که مأموریتش در لیبیریا نقطه اوج زندگی حرفه‌ای او است و می‌گوید، «حضور در چنین کاری به‌عنوان بخشی از آن یک افتخار است. فعالیت ما در این‌جا بسیار ملموس است» و در ادامه می‌گوید، «چیز دیگری که ملموس است نیاز پزشکان بدون مرز به کمک‌های بیشتری در خط مقدم این نبرد است.» منبع: National Public Radio

ترس از آن است. در اتاقی با کسی برخورد می‌کنید و بعد با خودتان فکر می‌کنید «او از کجا آمده؟ به چه بیماری مبتلاست؟»  
ترس من از این است که چنین چیزی تنها سطح قابل مشاهده یک کوه یخ باشد و با ادامه بحران روزی برسد که حتی تصور روزهای پیش از فاجعه امکان‌پذیر نباشد.

من هر چه بیشتر در خصوص ابتلا به بیماری از راه تماس با افراد می‌آموزم می‌فهمم که احتیاط و ملاحظه بیشتری مورد نیاز است. کسی که مسئولیت نظارت بر افراد در تماس با بیماری را برعهده دارد حتی یک رایانه هم ندارد. این واقعا چالش‌دهنده‌ای است. به خصوص در منطقه‌ای که ۳ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند و پنهان شدن افراد از دید کارکنان بهداشت بسیار آسان است.

من تابلوها و نشانه‌هایی را در خارج از یک کلیسا دیدم که روی آنها نوشته شده بود ابولا به خاطر ارواح شیطنی شیوع پیدا کرده و تنها راه‌هایی مردم این است که به سختی دعا کنند. اما آنها نمی‌دانند که عبادت تنها برایشان کافی نخواهد بود.

**«ما می‌توانیم شکستش دهیم»**

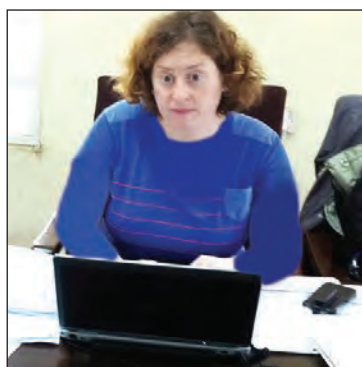


**تیم کالاکان، آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا**

مونرویا، لیبیریا  
من حدود ۶ هفته پیش به این‌جا رسیدم تا هماهنگی‌های لازم را با آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا در خصوص مقابله با ابولا انجام دهم. من در زلزله ۲۰۱۰ هائیتی نیز مسئولیت عملیات امدادی را برعهده داشتم و در گرجستان نیز پس از

ماز وضع مونرویا این بود که برای درمان تمامی بیماران ابولا به یک‌هزار تخت دیگر مورد نیاز است. ما در حال حاضر تنها ۲۴۰ تخت در اختیار داریم و تا زمانی که این فاصله از بین نرود کار رقت‌انگیز دل‌سرد کردن بیماران ادامه خواهد داشت.

## چیزهای زیادی از دست رفته است



**ستوان ربکا لوین، مرکز بهداشت عمومی آمریکا**

**فری تاون، سیرالئون**  
جدال ما در سیرالئون پیوج و بی‌فایده بود. وقتی به هتل رسیدیم، در لابی با ۲ افسر دیدار کردیم. می‌خواستیم آنها را در آغوش بگیریم، اما این‌جا هیچ‌کسی، دیگری را لمس نمی‌کند. شما نمی‌توانید با کسی دست دهید، چه رسد به این که کسی را در آغوش بگیرید. این در حقیقت برخلاف طبیعت انسان است و کاملاً با آن چه در یک بحران می‌خواهد مغایر است. این که چطور این بحران زندگی روزمره مردم را تحت‌تأثیر قرار داده بسیار ناراحت‌کننده است. قیمت‌ها سر به فلک کشیده‌اند و مردم نمی‌توانند برای خانواده‌شان غذایی تهیه کنند. همه مدرسه‌ها تعطیل‌اند و به کودکان چیزی آموزش داده نمی‌شود.

امروز با چند نفر از بهیاران محلی ناهار خوردیم. آنها از غذای خوش‌رنگ و لعابشان به من تعارف کردند و من نمی‌توانستم از آن بخورم. همه ما از خوردن غذاهای نامتعارف واهمه داریم. هیچ‌کس نمی‌خواهد به علایم بیماری گوارشی مانند اسهال و استفراغ گرفتار شود. هر چیزی که موجب نارسای گوارشی و مسمومیت غذایی شود هم از علایم ابولا است. باید همواره مراقب همه‌چیز باشد و این به شکل غیرمنتظره‌ای به شما آسیب می‌زند. موضوع تنها فقدان ارتباط انسان‌ها نیست، بلکه